

جامعه شناسی کیفری:

جامعه شناسی جنایی در واقع شاخه‌ای از علوم جرم شناختی است. در یک دیدگاه امپریالیستی «علوم جرم شناختی» بزعم انریکو فری، شامل حقوق جزا هم می‌شده است. جرم شناسی به اعتبار اینکه در بستر علوم انسانی متولد و در این مسیر متحول شد، به عنوان «علم چهارراهی» که سایر علوم جنایی از آن می‌گذرند نیز معروف شد. همه روشهای مطالعه جرم در نهایت در جهت شناخت جرم است. ما در این درس رهیافت جامعه شناختی جرم را بررسی می‌کنیم.

جرم شناسی و مطالعه جرم همیشه براساس تجربه نبوده و در ابتدا دیدگاهها و مفاهیم اخلاقی و فلسفی و مذهبی مطرح می‌شده بدین ترتیب مراد ما از جرم شناسی آن دسته از نظریاتی است که بر اساس مشاهدات منظم و روشن تدوین شده‌اند. مطالعه ماهیت و علل جرم بر اساس مشاهده و آزمایش و تجربه تعریف جرم شناسی است. جامعه شناسی جنایی جزئی از این جرم شناسی است. بیاد داشته باشید که جرم یک مفهوم صددرصد حقوقی و عینی است. و مطالعات جرم شناختی از اواخر قرن ۱۹ آغاز شد. بدین سان که با انتشار کتاب انسان بزهکار لمبروزو، جرم شناسی علمی تولد یافت و از فلسفه جدا شد.

مکاتب جرم شناسی:

۱- نظریات و مکاتب نخستین که جرم شناسی را بوجود آوردند، و

۲- نظریات و مکاتب جدید و نوینی که جرم شناسی را شکوفا نمود.

نظریات و مکاتب نخستین جرم شناسی:

۱-۱ دیدگاه انسان شناختی جنایی «لومبروزو»

۱-۲ نظریات مبتنی بر رویکرهای جامعه شناختی جنایی

۱-۳ نظریات مبتنی بر ترکیب و سنتز مکاتب قبلی با مکاتب مبتنی بر تعدد عوامل^۱

۱- آورده «لومبروزو» در کتاب «انسان بزهکار»: وی نخستین کسی بود که بر اساس روش مشاهده، تجربه و آزمایش به نتایجی دست یافت که قبل از وی به فکر کسی نرسیده بود. تا قبل از او برداشتهای ذهنی از جرم و مجرم مطرح بود. وی به تیپ مجرمانه دست یافت: مجرم مادرزادی به لحاظ جبریت‌های توارثی

و نیاکانی سر نوشتش محتوم بوده و در مقابل وسوسه‌های مجرمانه قادر به مقاومت نبود. وی دیدگاه تکامل‌گرای فرویدیسم را در واقع لوث کرد و اعلام نمود که بزهکاران در واقع شبه انسانی هستند که در مقطعی از تکامل خود متوقف مانده‌اند و از انسان فقط ظاهرش را دارند. این دیدگاه عمر کوتاهی داشت.

عوامل کمرنگ شدن دیدگاه‌های لومبروزو:

این بخاطر تشکیل کنگره‌های بین‌المللی انسان‌شناسی جنایی بود که در ابتدا تشکیل آن به ابتکار خود وی بود. و تحت تأثیر این کنگره‌ها حدود بیست و چند سال بعد کتابی تحت عنوان جرم، علل و درمان آن نوشت. عنوان این کتاب بیانگر تحولات فکری لومبروزو می‌باشد. آقای گورینگ در کتابی تحت عنوان محکوم - انگلیسی. در اوایل قرن ۲۰ نوشت: بین یک دانشجوی انگلیسی و یک دانشجوی اسکاتلندی وجوه افتراق بیشتری وجود دارد تا بین بزهکار و غیر بزهکار. دومین عامل عقب‌نشینی لومبروزو از دیدگاه جبرگرایانه اولیه‌اش، تأثیر شاگردان و دوستان وی بود که به اتفاق او مکتب تحقیقی را بنیان نهادند. دیدگاه زیست‌شناسی جنایی در جرم‌شناسی با مرگ لومبروزو از میان رفت گهگاه با پیشرفت علوم پزشکی و ژنتیکی عده‌ای دیدگاه مزبور را نسبت به جرم و مجرم اتخاذ می‌کنند. مثل نظریه کروموزوم اضافی مجرمانه که فعلاً هیچ پایگاه علمی ندارد.

گرچه مطالعات لومبروزو بستری برای تولد جرم‌شناسی بود. ولی عنوان این رشته را تا سالها انسان‌شناسی جنایی - دانستند. عنوان این رشته یعنی جرم‌شناسی را گاروفالو به این رشته داد و انسان‌شناسی جنایی اکنون جزئی از جرم‌شناسی است.

۲- نظریات جامعه‌شناختی جرم:

«کتله و گری» با استفاده از گردآوری آمار جنایی رشته‌ای را بوجود آوردند بنام «جغرافیای جنایی (نقشه برداری جنایی)» اینان مجموعه جرائم را صرفنظر از نوع آن مورد مطالعه قرار دادند، با توجه به جغرافیا و شرایط اقلیمی هر منطقه. «کتله» بزهکاری را تابعی از نحوه استقرار شهرها و حصول و نحوه آب و هوا دانست و «نظریه حرارتی» را بنیان نهاد. «مکتب جرم‌شناسی سوسیالیست»: به بررسی جرم با یک دیدگاه سوسیالیستی می‌پردازد، و بالنتیجه جرم را تابعی از شرایط اقتصادی جامعه و افراد می‌داند. در این دیدگاه برای تبیین گرفتاری‌های موجود در نظام جامعه سوسیالیستی، زیربنا اقتصاد است و روبناها که حقوق یکی از آنها است تابع زیربنا است. استثمار باعث ارتکاب جرم می‌شود و مجرمین در واقع

کسانی هستند که در مقابل این نظام مقاومت می‌کنند. جرم
شناسی سوسیالیست نیز یکی رویکردهائی است که در اواخر قرن
۱۹ و اوایل قرن ۲۰ جرم شناسی را متحول نمود.